

<span><span></span></span>	<span><span></span></span>
----------------------------	----------------------------

<span><span></span></span>	<span><span></span></span>
----------------------------	----------------------------

رسول جعفریان عنوان کرد: **ملاصدرا چه کسی را قاتل امام حسین(ع) می‌داند؟**

**مهر:** ملاصدرا می نویسد: «امام حسین(ع) نه به خنجر بیداد شمر ذی الجوشن، بلکه به معجون اقیون پرسم دگر و افسون و تریاق پرزهر اتفاق اهل نفاق خوشن با خاک کربلا آمیخته شد، که «قتل الحسین یوم السقیفه».»
حجت الاسلام رسول جعفریان استاد تاریخ و رئیس کتابخانه مرکزی مرکز اسناد و تأمین منابع علمی دانشگاه تهران در یادداشتی به این سوال پاسخ داده است که ملاصدرا چه کسی را قاتل امام حسین (ع) می‌داند. یکی از رسائل ملاصدرا، رساله سه اصل است که در آن، همزمان متشبهان به علم و صوفیان بازیگر را نقد می‌کنند. وی ضمن بحث، گریزی هم به کربلا و شهادت امام علی و حسن مجتبی و دیگر امامان (علیهم السلام) می‌زند و شهادت آنان را بیش از آن که به دست قاتلان و ضاربان مستقیم آنان بداند، ناشی از رفتار ریاکارانه و نفاق مشتهبان به اهل علم و تقوا می‌داند. عبارت او این است: پس زنهار که به علم ظاهر و صلاح بی بصیرت، مفتون و مغرور نگردی، که هر شقاوتی که به مردودان راه یافت، از غرور علم ظاهر و عمل بی اصل راه یافت و آنچه در قصص الانبیا خوانده ای یا از احوال شهدا و اولیا شنیده‌ای، از مصیبت‌ها و محنت‌ها که به خاندان نبوت و ولایت و اهل بیت عصمت و طهارت راه یافته، اگر نیک دریایی، آنها همه از نفاق و کید اهل شید و ریا و غدر و حيله متشهبان باهل علم و تقوی برخواسته.

**احمد مازنی:**

**اگر عاشورا نبود، میراث انبیاو ائمه نابود شده بود**

**ایسنا:** نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه اگر عاشورا نبود، میراث همه انبیا، پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) نابود شده بود، گفت: امام حسین(ع) با قیام خود میراث گذشتگان را احیا کرد و از مرگ نجات داد و استمرار این میراث را تضمین کرد.
احمد مازنی در مراسم عزاداری محرم در هیات فاطمه‌الزهرای تهران که در کانون توحید برگزار شد، با طرح این سوال که رمز این ماندگاری چیست، گفت: عوامل مختلفی باعث شده عاشورا از ۱۳۸۰ سال قبل باقی بماند. یکی از دلایل عمیق قاجعه و جنایت جنگی از لحاظ تراژیک است که در آنجا نسبت به همه اعم از زنان، کودکان و مردان وجود داشته و از آب هم مضایقه شده است. اما وقتی تاریخ را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم جنایات جنگی فجیع‌تر از عاشورا هم اتفاق افتاده، است که نمونه آن جنگ جهانی اول، نسل کشی ارمنه، نسل کشی یونانیان و نسل‌کشی‌های کردهای علوی و جنگ جهانی دوم است. این نماینده مجلس یادآور شد: روی هدف قیام اباعبدالله‌الحسین هم خیلی تاکید شده، در اینکه هدف‌ها بلند و بزرگ بوده و نگاه اصلاح‌طلبانه‌ای که امام به جامعه داشته و رفتاری که در برخورد با دشمن و مردم داشته، شکی نیست، مظهر طی، عدالت‌خواهی و آنچه مرحوم شهید مطهری به عنوان ویژگی‌های یک حماسه مقدس تعریف می‌کند که مرز نمی‌شناسد، قوم و حتی مذهب نمی‌شناسد و حتی پیروان مذاهب و ادیان مختلف نسبت به آن حماسه احساس همگرایی دارند، عاشورا چنین ویژگی‌هایی دارد. مرز زمان هم نمی‌شناسد. در همه عصرها فرهنگ عاشورا و شعارهای آن قابل استفاده است و امام حسین (ع) کاری کرده که همه انسان‌ها می‌توانند از او تبعیت کنند.

**اپرای عاشورا؛ همنشینی هنر آیینی و موسیقی سنتی**

**ایرنا:** تئاتر «اپرای عاشورا» که بنیانگذار اپرای ملی در شاخه تولیدات تئاتری کشورمان به شمار می‌رود، طی همنشینی داستانی آشنا چون واقعه کربلا در قامت بهرمندی از موسیقی ردیفی–دستگاهی و سبقت نمایش آیینی تعزیه نه تنها در اقبال مخاطبان داخلی موفق بود که تحسین و حیرت جهانیان را با خود به همراه داشت.هنر تعزیه که امروز از آن به عنوان بزرگترین گونه نمایش های آیینی ایران در شاخه هنر ملی، آیینی و سنتی کشورمان یاد می‌کنیم؛ مهمترین الگو در تولید اپرای عاشورا و ارائه آن به مخاطب به شمار می‌رود. تئاتر به عنوان هنری وارداتی در ایران پیشینه و سابقه ای ۱۵۳ ساله دارد و این پیشینه در برابر درازنای تاریخ چندین هزارساله نمایش های آیینی ایران سابقه بسیار کوتاهی به شمار می‌رود. چه بسا که این تاریخ ۱۵۳ ساله در مواجهه با سابقه از ۲۵۰۰ سال قدمت، سابقه ای درخور به شمار نمی‌رود.شاید این روزها عموم مردم در جامعه ایران اقبال بیشتری نسبت به تماشاخانه ها و سالن های تئاتر داشته باشند. به گونه‌ای که تنها طی یک دهه اخیر در پایتخت کشورمان تهران شاهد افتتاح بیش از یکصد سالن نمایشی برای اجرای آثار متنوع تئاتری بوده ایم اما جستجوی این سابقه و استقبال در مواجهه مردم با تئاتر در یکی دو دهه نخست انقلاب با ایین روزها به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. در حقیقت طی یک دهه اخیر با زیاد و فراگیری مفهوم هنر تئاتر میان عموم شاهدیم که تقریباً در هر استان و شهرستان کشورمان حداقل یک یا چند سالن تئاتری وجود دارد، اتفاقی که تا پیش از دهه هشتاد در کشورمان نمونه و نظیری اینچنین نداشته است.

**همدلی | سید عبدالله حسینی** : در میان ما مسلمانان، باور غلطی رایج شده است مبنی بر اینکه در قیامت نخستین پرسش از نماز است. این باور، مبتنی بر روایات معتبری است. اما، ما هم این روایات را نادرست فهمیده‌ایم و هم نادرست بکار می‌بریم. این برداشت از روایات که نخستین پرسش در قیامت از نماز باشد، با نص صریح قرآن کریم در تناقض است و لذا نمی‌تواند درست باشد. بلکه نخستین پرسش از کلیه انسان‌ها نخست از مساله رهبری است و آنگاه که صف پیروان حق و باطل با همین یک سوال از هم جدا شد، نخستین پرسش از پیروان امام حق از نماز خواهد بود که آن‌هم تجلی و تمرین امامت است. به نظر من که حداقل یک ربع قرن در عرصه فهم دین و تبلیغ آن در خارج و داخل کشور قلم و قدم زده‌ام، مهم‌ترین آیه در قرآن کریم این آیه است:
یوم ندعوا کل اناس امامهم فمن اوتی کتابه فیمینه فاولئک یقرئون کتابهم ولا یظلمون فیتلا. (سراء/۷۱)
روزی که تمام انسان‌ها را فراخوانیم که پشت سر امام‌شان صف بکشند. آن روز برنده کسانی را می‌خوانند که نامه اعمالشان را در دست راست شان قرار داده شده است و بر آنها ظلم نخواهد شد.

این آیه با صراحت کامل بیان می‌کند که نخستین پرسش در قیامت از نماز نیست، بلکه از امامت و رهبری و خط فکری است. امامت مهم‌ترین رکن اسلام است تا آنجا که بر اساس نص قرآن کریم در آیه ۶۷ سوره مکه و همچنین مفاد آیه مبارکه اکمال، اسلام با آن کامل شد و اگر ابلاغ آیه امامت نبود، رسالت رسول اکرم ناقص بود. امامت و رهبری آنقدر مهم است که حضرت ابراهیم خلیل، با آنکه در چهل‌سالگی به پیامبری مبعوث شده بود، هفتاد سال بعد از آن، بعد از یک آزمایش بسیار بزرگ شایستگی امامت یافت که قطعاً نشانگر آن است که تشریف امامت او از ردای نبوت او فاخرتر است.

پس باید هم همینطور باشد. زیرا رهبری هر جامعه‌ای مهم‌ترین مساله آن جامعه از آغاز خلقت تا اکنون به شمار می‌رفته است، الان هم هست تا پایان جهان هم باقی خواهد ماند.

چطور خداوند حکیم، این موضوع بسیار حیاتی و مهم را می‌تواند نادیده بگیرد یا نداند و به آن اهمیت قائل نشود

و اولین پرسش خود را در قیامت در این زمینه قرار ندهد.

ما از آغاز خلقت تا الان دو راه بیشتر نداشته‌ایم. حق و باطل. حتی در طبیعت هم همینطور است. در زمین دو قطب بیشتر وجود ندارد، شمال و جنوب. در جهان هم دو نیرو بیشتر نیست، خیر و شر. بر همین اساس در قیامت هم دو خط بیشتر نیست. بعد از محاسبه، هم آدم‌ها به دو جا هدایت می‌شوند. بهشت یا جهنم. مکانه سومی وجود ندارد.

**مبارزه حق علیه باطل درست مثل یک بازی فوتبال است. منتهی این بازی از روز اول خلقت شروع شده و تا پایان خلقت ادامه دارد. اولین گل را باطل با کشتن قایل زد و آخرین گل را هم انشالله حضرت حجت (ع) با فتح بیت‌المقدس، وارد دروازه باطل خوانده کرد**

نامه اعمال هم یا به دست راست داده می‌شود یا چپ، دست سومی در کار نیست. براساس این طرز تفکر تمام انسان‌ها و مکاتب مذهبی و قطب‌های فکری و نحله‌های اعتقادی در تمام عصرها و نسل‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند یا حق‌اند یا باطل. حد وسط نداریم. نسبتاً حق و نسبتاً باطل نداریم. بی‌طرف نداریم. تمام بی‌طرفه‌ها در جبهه باطل هستند.

ما باید بگوییم: در مبارزه علیه ظلم واستضعاف و استکبار جهانی، یا شما در کنار حسین زمان هستید یا اگر نیستید برعلیه حسین و آرمانهای حسینید ولو اینکه با دشمن نباشید. انسان یا با نفس می‌کشد که در این صورت هنوز زنده است و اگر نفس نمی‌کشد حتما مرده است. شما یا حرکت می‌کنید که دراین صورت به شما متحرک اطلاق می‌شود، اگر نیستید حتما ساکن هستید. ما نیز یا در راه حق گام برمی‌داریم که دراین صورت سوار کشتی نجات هستیم و انشالله عاقبت بخیر خواهیم شد و یا اگر در راه حق گام برنمی‌داریم قطعاً در مسیر باطل هستیم. بنا براین از آغاز خلقت تا اکنون و تا پایان جهان دو خط متقاطع کشیده شده‌اند که هیچوقت با هم به تفافم نمی‌توانند برسند. سازش این دو مانند سازش او و آتش ناشنی است. همین الان هر کدام از ما در یکی از ین دو جبهه قرار داریم. شما برای بودن دریکی ازین دو خط حق انتخاب دارید اما ازآنجا که دو جبهه بیشتر وجود ندارد، مجبورید در یکی از ین دو چرخه حضور داشته باشید. همانطور که بین زندگی و مرگ مجبورید. یعنی راه سومی نیست. اگر زنده نباشید جزء مردگان محاسبه می‌شود.

مبارزه حق علیه باطل درست مثل یک بازی فوتبال است. منتهی این بازی از روز اول خلقت شروع شده و تا پایان خلقت ادامه دارد. اولین گل را تیم باطل با کشتن قایبل زد و آخرین گل را هم انشالله حضرت حجت (ع) با فتح بیت‌المقدس، وارد دروازه باطل خوانند کرد و جام جهانی عشق وعدالت را به خانه خواهد آورد. در طول تاریخ بازیگران هردو طرف عوض شده‌اند، اما تیم همان تیم است. حتی گاهی بعضی از بازیگرانی که عضو تیم حق بودند، رفتند در تیم باطل توپ زدند، اما تیم عوض نشده است. با رفتن یک بازیگر ممکن است بسیاری از طرفداران او هم که هوادار شخصی او بودند و هویت تیم را در شخص خاصی می‌دیدند، با آنها رفتند و به تیم مخالف پیوستند اما تیم حق همچنان پا برجا ماند. طلحه و زبیر یک روز بازیکن تیم حق بودند و شمشیرشان لبخند بر لبان پیامبر می‌نشانند، اما همین بازیکنان نام‌آور با هوادارانشان بعد ها به تیم باطل پیوستند. در تیم حق ممکن است حتی یک بازیکن بداخلاق هم باشد و بازی کند ولی دلیل نمی‌شود کل تیم حق بد باشد. تا الان در این بازی حساس تیم حق و باطل، مبارزی را برده‌ایم. تیم حق با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ یگ گل تاریخی به تیم باطل زد. بعد آن‌ها با تحمیل جنگ هشت‌ساله خواستند جبران کنند که تیم

## ویژه محرم

از ظرفیت‌های عاشور را بیشتر بهره بگیریم

# تبیین جبهه حق و باطل



قهرمان ما با قدرت تمام نگذاشت دروازه تیم حق باز شود. از آن به بعد یکسره این تبادل گل ادامه داشته است. در این بازی هر کدام از ما یا این‌طرفی هستیم یا آن طرفی. شق سوم قابل تصور نیست. شما یا در مسیر حق هستید یا اگر نیستید قطعاً در مسیر باطل هستید. آدم بیطرف اصلاً وجود ندارد. تمام بیطرف‌ها در مسیر باطل هستند. چون قطعاً تیم حق آدم بیطرف را نمی‌پذیرد.

معیار های جبهه حق هم نماز و روزه و گریه و عزاداری نیست. ممکن است شما نماز هم بخوانید مثل عمر سعد، حافظ کل قرآن هم باشید مثل شمر و بیشترین قرآن را هم چاپ کنید مثل ملک سلمان و بزرگترین مسجد را هم بسازید مثل امیر شارجه ولی در جبهه باطل باشید. همانطور که معیارهای جبهه باطل هم قره می‌کند. ممکن است شخصی اصلاً مسلمان هم نباشد ولی عضو جبهه حق باشد اما مثال ماندلا و گاندی یا مسلمان باشد و به تکالیف شرعی دیگر خود عمل نکند اما در اصلی‌ترین موضوع از جانش مایه بگذارد.

ماندلا بعد از پیروزی بر آپارتاید آفریقای جنوبی در یک جمله تاریخی گفت:

پیروزی ما در پیروزی جنوبی بدون پیروزی برادران ما در فلسطین کامل نخواهد شد. تقریباً هم‌زمان با او متقی

وهابیت در مکه مکرمه کمک به حماس و حزب‌الله را حرام اعلام کرد.

بی‌عدالتی است اگر شیخ بن باز یا محمد بن سلمان بخاطر مسلمان بودن و قرآن چاپ کردن و عمارت حرمین شریفین که از اسرائیل حمایت می‌کنند به بهشت بروند و ماندلای حامی مقاومت به جهنم. اگر از آقای ماندلا پرسید که بین اسرائیل و فلسطین طرفدار کدام جبهه است قطعاً نمی‌تواند طرفدار اسرائیل باشد. پس با اینکه اصلاً مسلمان نیست در جبهه حق محشور خواهد شد منتهی ممکن است مورد پرسش و پاسخ قرار گیرد که حیف نبود تو با اینهمه خدمات و مبارزات اسلام نیارودی ولی قطعاً ماجور خواهد بود.

امروز اگر بعد از خواندن این سطور بتوانیم صندفی‌هایمان را مشخص کنیم، هم بزرگترین خدمت را به خودمان کرده‌ایم و هم اگر در مسیر حق هستیم بزرگترین گام

را برداشته‌ایم. همین الان ممکن است کسی در روضه امام حسین اشک بریزد، نذر هم بدهد، سینه هم بزند ولی عملاً در جبهه باطل باشد. همانطور که در زمان شاه، خود شاه مجلس روضه داشت. آخوندهای درباری هم برایش روضه می‌خواندند. در زمان هشت سال دفاع مقدس هم خیلی‌ها، مجلس روضه‌شان ترک نشد، نماز شب‌شان ترک نشد، مستحبات‌شان ترک نشد اما یک بارهم جبهه نرفتند. قرآن در طول تاریخ تنها دو خط فکری را بهره‌سمیت می‌شناسد. یکی راه روشن حق و دیگری مسیر تاریک باطل که از آنها گاه با تعبیر رشد و غی و گاه با تعبیر یمین و یسار نام می‌یرد. در نزد خداوند بغیر از این دو راه، راه میانه و سومی وجود ندارد. راه وسط که در حدیث آمده است (خیر الاوروا اوسطها) در اختلافات درونی جبهه حق معنی پیدا می‌کند. نسبی بودن خوب و بد هم تنها در درون جبهه حق قابل پیاده شدن است. از آغاز تاریخ بشر این دو خط رشد و غی و حق و باطل بصورت بسیار شفاف و روشنی همیشه در مقابل هم جنگیده‌اند. امروز نیز این دو خط همچنان امتداد دارد. ما روشن‌تر و بی‌برده‌تر هر کدام پیروانی داریم و مبارزه آنان همچنان ادامه دارد.

شهید مطهری در نطق تاریخی خود در سال ۵۲ گفتند: والله و بالله ما در برابر این قضیه مستولیم. به خدا قسم مسئولیت داریم. به خدا قسم ما غافل هستیم. والله قضیه‌ای که دل پیغمبر اکرم را امروز خون کرده است، این قضیه است. داستانی که دل حسین‌بن‌علی را خون کرده، این قضیه است. اگر می‌خواهیم به خودمان ارزش بدهیم ، اگر می‌خواهیم به عزاداری حسین‌بن‌علی ارزش بدهیم، باید فکر کنیم که اگر حسین بن علی امروز بود و خودش می‌گفت برای کم عزاداری کنید، می‌گفت یا چه شعاری بدهید؟ آیا می‌گفت بخوانید: “تو جوان اکبر من” یا می‌گفت بگویید: “ زینب مضطرب الوداع، الوداع”؟! چیزهایی که من (امام حسین) در عمرم هرگز به اینچور شعارهای پست و کثیف ذلت‌آور تن ندادم و یک کلمه از این حرف‌ها نگفتم؟! اگر حسین‌بن‌علی بود می‌گفت اگر می‌خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزنی، شعار امروز تو باید فلسطین باشد. شمر امروز موشه دایان است. شمر باز در سیصد سال پیش مُرد، شمر امروز را بشناس. امروز باید در و دیوار این شهر با شعار فلسطین تکان بخورد. هی دروغ در مغز ما کردند که آقا این یک مساله داخلی است. مربوط به عرب و اسرائیل است . . . تلاش ما مسلمین در این زمینه چه بوده است؟ به خدا خجالت دارم ما خودمان

<span><span></span></span>	<span><span></span></span>
----------------------------	----------------------------

<span><span></span></span>	<span><span></span></span>
----------------------------	----------------------------

عدالت‌محور خود استفاده خواهد کرد. اما ما در ارتباط با واقعه کربلا دچار یک کج‌فهمی تاریخی شده‌ایم واین آفت بزرگی است که ما را از ظرفیت این واقعه عظیم محروم می‌کند. در رابطه با عاشورا تمام تلاش‌مان تا اکنون صرف زنده نگهداشتن این نهضت شده. آن را الحمدلله تا الان خوب زنده نگه داشته‌ایم. اما متأسفانه از ظرفیت عاشورا استفاده واقعی نکرده‌ایم. از این ظرفیت بزرگ استفاده‌های شخصی کرده‌ایم. دل‌هایمان را جلا داده‌ایم، گناهان را شسته‌ایم، شفا گرفته‌ایم، مشکلات مادی و معنوی‌مان را حل کرده‌ایم. این مانند آن است که شما از آب‌های جمع‌شده در پشت سد کرج برای دوش گرفتن و استحمام شخصی استفاده کنید. در حالی که با این آب می‌توانیم برق تولید کنیم و شهری را روشن کنیم. با این آب می‌توانیم کشاورزی را رونق ببخشیم و شهری را سیر کنیم. این واقعه برای شستن گناهان امت نبود برای این نبود که مردم از حسین به عظمت یاد کنند. برای این بود که ما در تاریخ گمراه نشویم. حق وباطل را همیشه تشخیص بدهیم. قرار بود شهادت امام حسین (ع)تلث عمیقیه اسلام و تاوام جبهه مقاومت علیه باطل باشد. امروز که همان حسین بی‌هیچ کم وزیاد وهمان یزید بی‌زیاد و کم وجود دارند، پیرو امام حسین بودن، یعنی اینکه یزید زمان را بتوانیم تشخیص بدهیم و برعلیه او جنگیم و با جان ومال وهستی خودمان از حسین زمان مان دفاع کنیم.

کسی که دارای بصیرت لازم باشد ومعیار حق و باطل را بشناسد بدون هیچ شک وشبهه‌ای بین تیم حق و باطل سریع تشخیص می‌دهد. اگر امروز کسی پیدا شود که نداند آمریکا همان اسرائیل و اسرائیل همان عربستان و عربستان همان امارات و بحرین همان انگلیس وهمه همان یزید و شمر و این سعد هستند. قطعاً استفاده آدمی از درک و شعور سیاسی وبصیرت دینی برخوردار نیست. اگر قرار است حضرت مهدی (ع) از ظرفیت عاشورا برای شروع انقلاب جهانی خود با فتح بیت‌المقدس استفاده کند چرا ما از این ظرفیت در مبارزه با قهرمانانه رفتند و جنگیدند و حماسه آفرینند و یک عده امروز دارند آن جنگ‌ها و فداکاری‌ها و ایثارها را با شعور، خاطره، کتاب و فیلم زنده نگه می‌دارند. هر دو لازم است. اما این کجا و آن کجا. چرا باید خاطرات جنگ را زنده نگه داریم. برای اینکه اگر دوباره حق و باطل جنگی شد جوانان با استفاده از تجربیات و درس‌های آن جنگ هشت‌ساله، بروند و بهتر بجنگند. حالا اگر باز هم دوباره پنجره شهادت باز بشود و یک عده هنوز مشغول زنده نگهداشتن آن جنگ گذشته باشند و جبهه نروند چه اتفاقی می‌افتد. این اتفاق درست امروز در ارتباط با عاشورا ی اباعبدالله (ع) افتاده است.

**ماندلا بعد از پیروزی بر آپار تاید در یک جمله تاریخی گفت:پیروزی ما در آفریقای جنوبی بدون پیروزی برادران ما در فلسطین کامل نخواهد شد. تقریباً هم‌زمان با او متقی وهابیت در مکه مکرمه کمک به حماس و حزب‌الله را حرام اعلام کرد**

میلیون‌ها شیعه در سراسر جهان واقعه کربلا را زنده نگه داشته‌اند اما از آن هیچ استفاده‌ای برای پیروزی در جبهه‌ای که در آن می‌جنگند نمی‌کنند. عده‌ای آنقدر سرگرم زنده نگهداشتن عاشورا شده‌اند که برایشان این موضوع تبدیل به هدف شده است. در حالیکه عاشورا هدف نیست، وسیله است برای بقا دین و تاوام مقاومت. شما آب را سالم و گوارا و سرد نگه می‌دارید برای اینکه وقتی تشنه شدید آن را بنوشید. اما ما با اینکه داریم از تشنگی می‌مریم همچنان از آن آب نگهداری می‌کنیم. این آب برای خوردن است نه برای نگهداری. اگر از آن نگهداری می‌کنیم برای خوردن است. امروز حتی گفتن جمله «با لیتنا معک» معنی ندارد. چون همین الان اگر اراده کنید به سپاه امام حسین ملحق می‌شوید ودر رکاب او شمشیر می‌زنید و اگر شهید شوید با او محشور می‌شوید. ثوابی که می‌توان امروز از جنگیدن علیه اسرائیل برد، قطعاً از ثواب شهدای اربابان اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. زیرا آنان از حسینی دفاع می‌کردند که با چشم سر می‌دیدند و ما ندیده عاشق همان حسینیم. ما در اصل انقلاب و در جریان دفاع مقدس از پتانسیل عاشورا استفاده کردیم و پیروز شدیم. در مبارزه امروزمان با اسرائیل هم باید ازین ظرفیت استفاده کنیم. روزی که همه پیروان امام حسین به این درک از قیام امام حسین برسند و حسین زمانشان را بشناسند و بخوانند یاری کنندند آقای ما و مولای ما چارهای جز آمدن ندارند. زیرا ظهور هم مثل همه پدیده های تاریخی تابع فلسفه علت و معلول است. درست مثل آب که در سماع زیر صفر یخ می‌زند ودر حرارت صد درجه می‌جوشد. اگر حرارت آب به صد درجه برسد این آب چاره‌ای ندارد جزآن که باید بجوشد. حالا شما بنشینید برای رسیدن آب به نقطه جوش دست به دعا بردارید. نه اول باید عملاً کمک کنی که این آب به نقطه جوش برسد. ظهور هم همینطور است. اول باید کمک کنیم که زمینه ظهور فراهم شود. زمینه ظهور را دعا کردن تنها فراهم نمی‌شود. با اقدام عملی فراهم میشود. امروز ارزش یک شعار مرگ بر اسرائیل و یک اقدام عملی بر علیه این شمر زمان، از ریختن یک منک اشک برای حضرت سید الشهدا بالاتر است. نوشتن یک مقاله در دفاع از ملت فلسطین، اول باید کمک کنیم که زمینه ظهور فراهم است. ساخت یک کلیپ در افشای جنایات اسرائیل به مثابه خطبه امام زین العابدین بر بالای چوب‌های دربار یزید است. بنا بر برخی امارها هررسال بیش از سیصد میلیارد تومان در سراسر جهان صرف اقامه عزای ابا عبدالله‌الحسین علیه السلام می‌شود. اگر بنابیان این خیر بزرگ بیکدم اثر صرف مبارزه با قاتلان فکری امام حسین کنند قطعاً در روند انتقام‌گیری از آنان تحول شگرفی روی خواهد داد. خوشا به حال آنانکه دراین روزها و شبها همچنان که بر شهدای کربلا اشک می‌ریزند بر علی اصفراهی فلسطین و علی اکبرهای سوریه و بالفضل‌های لبنان و قاسم‌های بحرین و یمن نیز گریه کنند و در صفتندی حق وباطل جانب اهل خدا را نگهدارند.

کسی که جانب اهل خدا نگهدارد خداهش در همه حال از بلا نگهدارد

<sup>[1]</sup> مبارزه حق علیه باطل درست مثل یک بازی فوتبال است